

## نمونه‌ای از بازنگری ترجمه رساله قشیریه

علی قازان<sup>۱</sup>

### چکیده

رساله فی التصوف از خواجه قشیری، مشهور به رساله از امهات کتاب‌های نظری صوفیانه است که به دلیل اهمیت و ارج و اعتبارش مورد اعتنایی بسیار قرار گرفت و افزون بر ترجمه آن به فارسی، تقریباً قریب به اتفاق آثار علمی و نظری صوفیان از این کتاب بهره برده است.

در این مقاله بر اساس رویارویی متن عربی با فارسی اشکالات ترجمه فارسی در چهار محور اشتباه در ترجمه، کاستی، دقت و ترجمه آزاد یا اضافه بررسی و نمونه‌هایی در جدول ارائه شده است. لازم به یاد آوری است که اساس کار، مقدمه و باب اول کتاب بوده است.

**واژگان کلیدی:** ترجمه رساله قشیریه، نقد ترجمه فارسی رساله قشیریه، متون کلاسیک صوفیه به فارسی.

### مقدمه

از دیرین‌ترین روزگار بشریت، انسانها همیشه دنبال آشنایی با یکدیگر و فرهنگ‌های یکدیگر بودند، گاهی برای ارضای حس کنجکاوی و گاهی برای آموختن و یا اهداف دیگر، انگار بالفطره می‌دانستند که: *يا أَيُّهَا النَّاسُ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا* (الحجرات/۱۳). یکی از ابزارهای این آشنایی یا شناخت ترجمه بود، که بیشتر دنبال کشف رموز آثار برجسته دیگر ملت‌ها. و چه بسا بزرگانی متحمل زحمت‌های گران شدند تا جهان‌های دانش ناشناخته را بکشایند، و برزویه طبیب یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های تاریخ این عرصه و الگوی روشن آن است (مینوی، ۴۴). یکی از متون نثر عرفانی که اکنون مورد توجه مجامع ادبیات فارسی است، کتاب ترجمه رساله قشیریه است. کتابی است از قرن پنجم هجری که توسط یکی از بزرگان صوفیه فارسی زبان نوشته شده است، صوفی‌ای که در یکی از شهرهای قوچان کنونی در سال ۳۸۶ ق دیده به جهان گشود و سال‌ها بعد در ردیف دانشمندان و نویسندگان و شاعران و متصوفه قرن پنجم هجری قد علم کرده است. ابو القاسم عبد الکریم بن هوازن قشیری که مدتی در بغداد رحل اقامت افکند، پرچم مقابله با فساد را که در طریقت رخ داده است به دست گرفت، و خواست جلوی انحراف صوفی نمایان از آداب و سنن مشایخ پیشین را بگیرد و چهره مدعیان دروغین و دور از حقیقت را کشف کند و در سالهای ۴۳۷-۴۳۸ هـ رساله قشیریه را نگاشته است تا پیامی برای صوفیان شهرهای اسلام باشد (فروزانفر، ۶۸).

توجه و نیاز شدید صوفیان به این رساله، ابو علی بن احمد عثمانی را، که یکی از شاگردان و مریدان استاد ابو القاسم بوده، بر این داشت تا این رساله را به پارسی ترجمه کند، به عنوان یک منبع اساسی برای مبانی تصوف، و این کار در زمانی نزدیک به وفات استاد انجام پذیرفت، منتها به علت سقم و کاستی که ترجمه اول داشت، بعداً حدود سال ۵۵۰ هـ توسط ابو الفتوح عبد الرحمن بن محمد نیشابوری در کرمان اصلاح یافته (صفا، ج ۲، ۸۸۹).

با وضع کنونی ترجمه رساله، تا حدودی معلوم می‌شود ترجمه‌ای که اصلاح یافته چگونه بوده است، و اکنون این ترجمه اصلاح شده به عنوان نسخه اصل در تصحیح مرحوم فروزانفر قرار گرفته است (فروزانفر، مقدمه ۷۷). شروخی در مقاطع مختلف زمانی بر این رساله به جای مانده است؛ مانند الدلالة علی فوائد الرسالة، احکام الدلالة علی تحریر الرسالة و نتائج الأفكار القدسیه (محبتی، ۲۲)، و این نشانه توجه پیوسته به آن رساله است؛ و شرح این رساله بویژه در منابع برادران اهل سنت که گرایش به تصوف یا مباحث اخلاقی دارند تا امروز ادامه دارد، مانند درسهای علامه بزرگ سوری دکتر محمد سعید رمضان بوطی، که اخیراً (۱ فروردین ۱۳۹۲) متأسفانه در موج تکفیری که جهان اسلام را گرفتار فاجعه عظیمی کرد، توسط یکی از تکفیری‌ها، همراه با ۴۲ تن از نمازگزاران در مسجد اموی دمشق به شهادت رسید (الاحبار، ۱۸).

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. با تشکر از راهنمایی و زحمات فراوان استاد فاضل و دلسوز دکتر دانشگر.

با خواندن صفحات ترجمه این رساله مشخص می‌شود که چینش ارکان جمله و عبارات زیاد عربی و عموماً شیوه خاص نثر این کتاب ناآشنا به نظر می‌آید به گونه‌ای که در جاهای زیادی درک مطلب را دشوار می‌سازد. طبیعتاً، کسی که زبان عربی را بداند، سراغ متن اصلی می‌رود تا مطلب برایش روشن شود، ولی آنگاه مشخص خواهد شد چه تفاوت‌های عجیب و غریب در روند ترجمه رخ داده است؛ مثلاً در برخی موارد به کاستی بر می‌خوریم، موارد دیگر اضافه، ترجمه آزاد، بی دقتی... و غیره که نمونه‌هایی از آن در صفحات بعد ذکر خواهد شد.

این مسأله خواننده را برای مقایسه دو متن عربی و فارسی و بازنگری ترجمه رساله بر می‌انگیزد. همچنین، می‌تواند فرصتی برای غیر فارسی‌زبانان باشد تا درک فارسی زبان فاضل آن روزگار را از متن عربی به زبان خودش دریابد که خود انگیزه قوی دیگری است، چون روزنه‌ای به چشم تاریخ‌نگر باز می‌کند تا به چگونگی ترجمه در آن دوران نگاهی بیندازد، و چه بسا فرصت خوبی شود تا معادلهای ناب فارسی برای واژگان عربی به دست آید.

از طرفی دیگر، این می‌تواند برای فرد دو زبانه کمکی بسزایی باشد، تا مطالب متن عربی یا فارسی را متوجه بشود؛ چه بسیاری از مطالب مبهم که مترجم متوجه آنها می‌شود و به زبان خودش می‌نگارد، پرده‌های این ابهامات را می‌برد، و هم اینطور، زبان اصلی - که در اینجا زبان عربی است - می‌تواند کمک کند تا ابهامات سبکی متن فارسی آن دوران دریافته شود.

البته ترجمه آسان نیست؛ چون از یک طرف به تسلط بر دو زبان نیازمند است به طوری که حضور گستره فراخی از واژگان را می‌طلبد و از سوی دیگر به درک مطلب مورد ترجمه نیازمند است.

در این میان، عواملی زیادی در آشفته‌گی کار مترجم نقش دارد؛ مانند طولانی بودن کار، زیادی اصطلاح متن، ژرفی مطالب و جز آنها که دشمن مترجم به شمار می‌روند و کار او را دشوارتر می‌سازند. به ناچار، انسان جایز الخطا در این مسیر طولانی می‌لغزد و گاهگاهی در چاله‌ای می‌افتد. شاید به همین دلیل بتوان گفت: هنر مترجم این نیست که هیچ مشکلی یا اشتباهی در ترجمه‌اش نداشته باشد، بلکه تلاش موفق او است برای رسیدن به ترجمه‌ای که حد اقل اشتباه دارد. نتیجه دیگر این است که پس از ترجمه، فرد سومی باید ناظر این پیوند فرهنگی تازه باشد تا ترجمه را ارزیابی کند و تا حد توان اشتباهاتی را برطرف سازد که رخ داده است.

بنابر آنچه گذشت، این سؤال مطرح می‌شود که: «مترجم آن روزگار تا چه حدی به متن اصلی وفادار بوده است و آیا توانسته است از عهده این کار بر آید؟»

طبیعتاً، راه پی بردن به این پاسخ جز با مقایسه میان دو متن - متن اصلی و متن ترجمه - امکان‌پذیر نیست؛ پس سزاوار است به عنوان نمونه به مقایسه پاره‌ای از این دو متن پرداخته شود. محدوده مد نظر در این نوشته، مقدمه و باب اول ترجمه رساله با متن عربی آن است.

در این کار، به طور اساسی از این منابع استفاده شده است:

- ۱ - ترجمه رساله قشیری، تصحیح مرحوم فروزانفر
- ۲ - رساله قشیری عربی، تحقیق دو بزرگوار امام حمود و دکتر الشریف
- ۳ - رساله قشیری عربی، چاپ چاپخانه امیریه بولاق مصر ۱۲۸۴هـ/ ۱۸۷۰م، که در موارد ابهامات یا اشتباهات چاپی متن عربی رساله یادشده به آن مراجعه شده است.

جدولی که در پی می‌آید، دقت ترجمه را پیگیری خواهد کرد، بنابراین، اصلاحات دیگر مانند ویرایش متن یا ترجمه اصطلاحات عربی که وارد متن ترجمه رساله شده، و یا به اصطلاح رایج در علم تصوف تبدیل شده از عهده این نوشته خارج است.

جدول‌هایی که به دنبال می‌آید، چنانکه گذشت به چند نمونه از هر نوع اشکال ترجمه خواهد پرداخت، و اشکالات زیر مورد بررسی می‌باشند:

- ۱ - اشتباه: مترجم در انتقال معنی ناکام مانده است.

- ۲ - کاستی: مترجم بخشی از متن عربی را جا انداخته است.  
 ۳ - دقت: مترجم دقت کافی را در ترجمه به کار نبرده است.  
 ۴ - ترجمه آزاد یا اضافه: مترجم نظر خود را در متن ترجمه وارد کرده یا مطلب فارسی را در متن عربی دخالت داده است.  
 جدول‌ها به این ترتیب: ۱ - مورد بازنگری، ۲ - متن عربی، ۳ - ترجمه پیشنهادی، سامان می‌یابد. البته این جداول نقش راهنما را دارد که برای وضوح بیشتر و درک کاملتر مطلب و مورد اشکال، باید به اصل دو متن مراجعه شود.

جدول اول طبق نمونه‌ها به «اشتباه» در ترجمه به عنوان اساسی‌ترین اشکال می‌پردازد:

مورد بازنگری (فروزانفر)	متن عربی (حمود و الشریف)	ترجمه پیشنهادی
ولیکن قبیله نه آن قبیله است (ص ۱۱ س ۱۱)	وَارِيْنَسَاءَ اَلْحَيَّغَيْرِ نِسَائِهَا	می‌بینم که زنان محله زنان آن‌ها [چادرها] نیستند
و این سخنی است اطلاق او و هم خطا دارد (۱۴ س ۸)	وهذا صريح من الشبلي أن القديم سبحانه لا حد لذاته و لا حروف لكلماته (ص ۲۵)	و این اعترافی صریح است از شبلی که ذات قدیم را سبحانه حد نیست و سخنش را حرف نیست. <sup>۲</sup>
اول چیزی که بنده محتاج است بدان (۱۴ س ۱۲)	أول ما يحتاج إليه العبد من عقد الحكمة (ص ۲۶)	اولین حکمتی که بنده به باور داشتن آن نیازمند است
هرکه این نشانسد نداند کی بپادشاهی که اولی‌تر است (۱۴ س ۱۶)	فإن من لم يعرف مالكة لم يعترف بالملك لمن استوجبه (ص ۲۶)	کسی که مالک خود را نشانسد، ملک را به آنکه شایسته است نسبت نخواهد داد
و قبل محالست و بعد گفتن محدود بود (۱۵ س ۱۹)	ولم يظهره قبل ولم ينفه بعد(ص ۲۷)	هیچ پیشینی او را پدید نیاورد، و هیچ پسینی او را نابود نسازد.

هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی  
 جدول دوم برخی از موارد «کاستی»

مورد بازنگری (فروزانفر)	متن عربی (حمود و الشریف)	ترجمه پیشنهادی
ص ۱۲ س ۶	ومنكم لي بصحيحها شهادة (ص ۲۱)	و گواه باشید که بر آن (عقاید سلف) صحه گذاشتم. <sup>۳</sup>
ص ۱۳ س ۱۳	و وقع في أسر الهلاك (ص ۲۵)	و اسیر بند هلاکت شده است.
ص ۱۴ س ۱۴	و يذل لدعوته (ص ۲۶)	و به فراخوان او گردن نهد.
ص ۱۴ س ۱۵	والذي بالأداة اجتماعه فقواها تمسكه (ص ۲۷)	چیزی که اسباب علت گردآوری اوست، نیروی اسباب او را گردآمده نگهدارد. <sup>۴</sup>
ص ۲۱ س ۱۲	وقال سهل ابن عبد الله: إن الحروف لسان فعل، لا لسان ذات؛ لأنها فعل في مفعول. قال وهذا أيضاً تصريح بأن الحروف مخلوقة. وقال الجنيد في جوابات مسائل الشاميين: (ص ۳۶)	و سهل ابن عبد الله گوید: حروف بر فعل دلالت دارند نه بر ذات، چون فعل است در مفعول. <sup>۵</sup> گفت این هم بیان صریحی است به این که حروف از آفریدگان است. و جنید در پاسخ به پرسشهای شامیان گوید...

## جدول سوم، موارد بی‌دقتی‌ها:

مورد بازنگری (فروزانفر)	متن عربی (حمود و الشریف)	ترجمه پیشنهادی
مخصوص گردانید ایشان را به پیدا کردن انوار خویش بر ایشان. (ص ۱۰ س ۱۰)	اختصم من بین الأمة بطوالع أنواره (ص ۱۸)	ایشان را از میان امت به انوار درخشان خویش مخصوص گردانید
بهرجا باشند گردش ایشان با حق بود (ص ۱۰ س ۱۱)	الدائرون فی عموم احوالهم مع الحق بالحق (ص ۱۸)	رفتارشان در تمام احوالشان با حق و از حق باشد
بیشتر اهل زمانه اندر دیار تباهی همی افزایند (۱۱ س ۲۳)	تمادياً فیما اعتادوه واغتراراً بما ارتادوه (ص ۲۰)	در آنچه خوی شان شد اغراق کردند، و مغرور آنچه انجام می‌دادند شدند
او را بمدد کس حاجت نیست (۱۳ ص ۲۲)	ولا ینصره مدد ولا عون (ص ۳۹)	و هیچ کمک و پشتیبانی او را یاری نکند
هرچه بجسم بدانی او را عرض بود (۱۵ س ۱۴)	فالذی بالجسم ظهوره، فالعرض یلزمه (ص ۲۷)	آنچه به صورت جسم پدیدار می‌شود، عرض ملازم اوست.

## در جدول چهارم، مواردی از ترجمه آزاد و اضافه مطرح می‌شود:

مورد بازنگری (فروزانفر)	متن عربی (حمود و الشریف)	ترجمه پیشنهادی
ایشان را صافی گردانیدند از صفات بشریت و آن حکم از ایشان برخاست (۱۱ س ۱۴)	زالت عنهم أحكام البشریة (ص ۲۰)	صفات بشری از ایشان برخاست
و این غایت بی‌حرمتی و ترک ادب است (۱۱ س ۱۶)	در متن عربی وجود ندارد (ر.ک. ص ۲۰)	
بگذرد و بریده گردد و با صلاح آید (ص ۱۱ س ۲۰)	تنحسم (ص ۲۰)	بریده گردد
دروود و آمرزش خواهم و رهانید ناز و (۱۲ س ۸)	و أستغفره و أستعینه (ص ۲۱)	آمرزش و یاری از او خواهم
و حقیقت طلب نکند (۱۳ س ۱۲)	در متن عربی وجود ندارد (ر.ک. ص ۲۵)	

همان گونه که ملاحظه می‌شود، بر اساس مفاد جدولها در برخی موارد (متن فارسی ص ۱۰ تا ۲۳ = ۱۴ صفحه و متن عربی ص ۱۸ تا ۳۹ = ۲۲ صفحه) اشکالات بسیار یافته شد که به پنج نمونه از هر نوع اشکال اکتفا شده است؛ گرچه در تتبع به حدود پنجاه مورد می‌رسد.

البته ناگفته نماند در اغلب مواردی که بررسی شده است، مطالب کلی کتاب اصلی، خدشه دار نشده است؛ گرچه از لحاظ فنی اشکالات بسیاری وارد است. می‌توان گفت که مترجم یا ویراستاری که پس از مترجم اول به اصلاح ترجمه پرداخت به محتوای کتاب قشیری وفادار بود.

طبیعتاً، این نتیجه‌گیری مبنی بر آن مقداری است که مورد بررسی قرار گرفت؛ گرچه تعمیم آن به تمام کتاب دور از صواب است به نظر می‌رسد این نوع از اشکالات دامنگیر قسمت‌های دیگر این کتاب هم شده است. منتها پیشنهاد معقولتر این است که در فرصتی دیگر نمونه‌هایی از سایر ابواب کتاب مورد بررسی قرار گیرد تا آماری قابل توجه و زاینده به دست آید. البته نگاهی گذرا به تصحیحات مرحوم فروزانفر این نظر را تأیید می‌کند.

## نتیجه گیری:

در پی بررسی این نمونه بر اساس چهار محور اشتباه، کاستی، بی دقتی و ترجمه آزاد یا اضافه، نتیجه این شد که ترجمه در معنای کلی مطالب دخل و تصرف نکرده است، و برای کسانی که رمزهای این ترجمه را می‌توانند بگشایند یا با متون مشابه مأنوس هستند، مشکل ندارد، منتها ترجمه روان به نظر نمی‌رسد و چه بسا اشکالات زیاد آن باعث خستگی خواننده یا حد اقل اشتباه او در درک مطالب شود و این مسأله از بعدی دیگر به ارزش ترجمه آسیب می‌رساند.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۲- فروزانفر، رساله قشیریه، ۱۴.
- ۳- العروسی، نتائج الأفكار القدسیه، ج ۱ ص ۵۷.
- ۴- واگر اسباب نباشد از هم می‌باشد. ر.ک. العروسی، نتائج الأفكار القدسیه، ج ۱ ص ۶۶.
- ۵- انصاری صاحب شرح رساله قشیریه در شرح این عبارت می‌گوید: (لأنها فعل) وجد (فی مفعول) لا صفة حقیقه قائمه بذات الفاعل. ر.ک. العروسی، نتائج الأفكار القدسیه فی بیان معانی شرح الرساله القشیریه، ج ۱، ص ۹۲.
- ۶- طالع: مشرق "شمس طالعه". المنجد.

## فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الاخبار، روزنامه، شماره ۱۹۶۲، جمعه ۲۲ مارس ۲۰۱۳ (۲ فروردین ۱۳۹۲)، بیروت - لبنان.
- ۳- المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، دار المشرق، بی تا.
- ۴- الهی قمشه‌ای، مهدی ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ای) انتشارات فاطمه الزهراء قم ۱۳۸۰ ش.
- ۵- حمود و الشریف، الامام عبد الحلیم و الدكتور محمود (تحقیق) الرساله القشیریه للامام ابی القاسم القشیری، مطابع مؤسسه دارالشعب، القاہرة ۱۴۰۹ هـ.ق. - ۱۹۸۹ م.
- ۶- رساله قشیریه عکس چاپ چاپخانه امیریه بولاق مصر - آرشیو دانشگاه تورونتو کانادا - ۱۲۸۴ هـ / ۱۸۷۰ م
- ۷- صفا، دکتر ذبیح الله تاریخ ادبیات ایران، نشر فردوس، چاپ هجدهم، تهران ۱۳۹۱ ش.
- ۸- العروسی، نتائج الأفكار القدسیه فی بیان معانی شرح الرساله القشیریه، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۲۰۰۷ م، لبنان بیروت.
- ۹- فروزانفر، بدیع الزمان (تصحیح و استدراکات) قشیری، عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریه، مترجم: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، چاپ دهم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۸۸ ش.
- ۱۰- محبتی، مهدی (مقدمه تصحیح و تعلیقات)، ترجمه رساله قشیریه، انتشارات هرمس، چاپ اول، تهران ۱۳۹۱ ش.
- ۱۱- معین، محمد، فرهنگ معین، ۶ جلد، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۶، تهران ۱۳۸۸ ش.
- ۱۲- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم قم ۱۳۷۴ ش.
- ۱۳- مینوی، دکتر محبتی (تصحیح و توضیح)، نصر الله منشی (مترجم)، کلیله و دمنه، انتشارات محور، چاپ اول، تهران ۱۳۸۶ ش.
- ۱۴- میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۷۱ ش.